

هارون یحیی و مستندات قرآنی بر ضد نظریه تکامل

مهدوی آزادبنی، رمضان^۱

حدیثه خدانشناس^۲

چکیده

مساله علم و دین از قرن هفده با وقوع رنسانس و انقلاب علمی از محوری ترین دغدغه های دین پژوهی است. در مرکز این نزاع، نظریه تکامل انواع داروین را می توان دید. با شروع این قبیل نزاع ها، عده ای در برقراری سازش و آشتی بین نظریات علمی و باورهای دینی تلاش نمودند. در جهان اسلام نیز بعد از پی بردن به خطرات فکری نظریه تکامل، گروهی در آشتی دادن آن با آیات قرآن کریم تلاش نمودند که نتیجه چنین تلاش هایی تبدیل نظریه تکامل به تکامل گرایی الهی است. با توجه به ارتباط مستقیم این نظریه در مورد آفرینش انسان که از آموزه های مهم قرآنی است؛ مفسران و اندیشمندان قرآنی همواره در مورد نظریه تکامل تلاش های درخور توجه انجام داده اند. در این میان، عده ای با نظریه تکامل با تکیه بر آیات قرآنی به شدت مخالفت نمودند. در این مقاله نظریه هارون یحیی به عنوان یکی از مخالفان سرسخت نظریه تکامل که در کتاب "دلایل تعارض داروینیسم با قرآن" طرح نموده است، مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. هارون یحیی به شدت به تعارض نظریه تکامل انواع با آیات قرآن اعتقاد دارد. نویسنده تلاش می کند تا دیدگاه هارون یحیی را با تکیه بر کتاب مذکور و مراجعه به منابع تفسیری مورد دفاع و تبیین قرار دهد. نتیجه پژوهش بیان می کند که متکلمان در دفاع و تبیین از مقام خالقیت خداوند نسبت به انسان با مشاهده نظریه های علمی همانند نظریه تکامل ضروری نیست تا به دنبال هماهنگ سازی اصول عقاید دینی با نظریه علمی مفروض نمایند چرا که با تامل در مبانی نظری آن نظریه چه بسا ناسازگاری های ذاتی در اصل آن نظریه علمی بتوان نشان داد.

کلمات کلیدی: تکامل داروین، هارون یحیی، قرآن، تکامل گرا، آفرینش

^۱ دکترای تخصصی - گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه مازندران

^۲ کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران

مقدمه و طرح مساله

نظریه تکامل انواع در قرن نوزده بوسیله داروین ارایه گردید و از آن زمان به بعد ماجرای رابطه میان علم و دین به یکی از مهمترین دغدغه‌های متکلمین و دین پژوهان تبدیل گردید. نظریه مذکور سبب شد تا بین علم و دین نزاع سختی رخ دهد. از این رو تلاش‌های مختلفی در حل مساله ارایه گردید و موضع‌گیری‌های متعددی بوسیله متکلمین و دانشمندان اتخاذ گردید. برخی - عمدتاً مادی‌گرایان - به شدت از آن پشتیبانی می‌کنند زیرا آنها فکر می‌کنند تئوری تکامل یک واقعیت علمی اثبات شده است و به همین اندازه به شدت تمام ایده‌های مخالف آن را رد می‌کنند.

گروه دوم کسانی هستند که به خوبی در مورد ادعاهای نظریه تکامل‌گرایان مطلع نیستند و از این رو به این موضوع علاقه خاصی دارند. علاقه‌ی این گروه چه بسا به این دلیل است که آسیب‌هایی را که مکتب داروین در سراسر یک قرن و نیم گذشته به بشریت وارد کرده است، درک نمی‌کنند.

گروه سوم کسانی هستند که تحت تاثیر القائنات و تبلیغات مادی‌گرایان این نظریه را واقعیت علمی می‌بینند و در جستجوی راهی میانه این نظریه و اعتقاد به خدا بر می‌آیند. آنها تلقی مکتب داروین را در مورد منشاء زندگی بطور کامل قبول دارند با وجود این باز هم سعی دارند پلی میان نظریه تکامل و اعتقادات مذهبی بسازند. این گروه برای برقراری سازش میان تکامل و دین سعی می‌نمایند تا خدا را در نظریه تکامل قرار داده مراحل تکامل را تحت کنترل خداوند در نظر می‌گیرند.

حال مساله‌ای که در این میان برای محققان قرآنی و اندیشمندان معارف اسلامی قابل طرح و بررسی است امکان یافتن راه حلی برای برقراری چنین سازشی میان نظریه تکامل و دین با تکیه بر آموزه‌های قرآنی است. آیا با تکیه بر آیات قرآن کریم بخصوص آیات ناظر به آفرینش انسان می‌توان از نظریه تکامل به یک نظریه تکامل‌گرایانه الهی و سازگار با آموزه‌های قرآنی دست پیدا نمود؟ در مقاله حاضر نویسندگان با تکیه بر دیدگاه هارون یحیی، از محققان و اندیشمندان جهان اسلام، پاسخی منفی به سوال طرح شده ارایه خواهند نمود. در این رابطه تلاش می‌شود انتقادات و تحلیل‌های هارون یحیی نسبت به مستندات که غالباً تکامل - گرایان مسلمان از قرآن ارایه می‌دهند بیان شود و در دفاع و تقویت دیدگاه او به منابع تفسیری دیگری نیز استناد داده خواهد شد. بنابراین پژوهش حاضر، پاسخ خطای مومنانی که هنوز نظریه تکامل انواع را مورد تایید قرار می‌دهند از چشم اندازه‌های متفاوتی فراهم می‌نماید. این پژوهش همچنین برای آن دسته از مسلمانانی که در جستجوی زمینه مشترکی بین نظریه تکامل و پدیده آفرینش هستند و نیز برای کسانی که

حتی سعی می‌کنند تا شواهدی از این نظریه را در قرآن بیابند، پاسخ می‌دهند. این نکته لازم است مورد توجه قرار گیرد که در پژوهش حاضر نظریه تکامل بیان نمی‌شود و در این رابطه به آثار زیادی که وجود دارد می‌توان مراجعه نمود. (مهدوی آزادبنی، ۱۳۹۰، ش، ص ۷۳)

معرفی اجمالی هارون یحیی

هارون یحیی در سال ۱۹۵۶ در شهر آنکارا پایتخت کشور ترکیه بدنیا آمد. نام واقعی او عدنان اکتار (Adnan Oktar) است. پاره اول اسم مستعارش به نام هارون برادر موسی است و پاره‌ی دوم به نام حضرت یحیی پیامبری که درست پیش از عیسی آمد و آمدن عیسی را پیش بینی کرد. او در رشته‌ی دانشجویی فلسفه تحصیل کرده است. از ۲۴ سالگی نوشتن و انتشار کتابهایش را آغاز کرد و تا به امروز بالغ بر ۲۲۲ کتاب در موضوعات مذهبی، علمی و سیاسی نوشته است. (هارون یحیی، ۲۰۰۳، ص ۶) در حقیقت موضوع کتابهای علمی و سیاسی او نیز به نوعی به مذهب باز می‌گردد. او در کتابهای علمی خود، نظریه داروینسم را که در نهایت، آفرینش را محصول تصادف و تکامل تدریجی و تطابق مستمر با شرایط زیستی می‌شمارد به چالش جدی فرا می‌خواند و می‌کوشد وجود شعوری فرا بشری را در آفرینش هستی و کائنات ثابت کند. از نظر هارون یحیی، داروین مبتکر نظریه تکامل نیست و نیز آن را یک نظریه علمی‌ای که بر براهین علمی مآخوذ از تجربه و آزمایش است، مبتنی نمی‌داند. (هارون یحیی، ۲۰۰۱، ص ۱۴) بلکه او این نظریه را اقتباس شده از یک فلسفه مادی‌گرایانه جزم اندیش و بسیار قدیمی می‌داند که با وجود عدم تایید بوسیله کشفیات علمی، بطور کورکورانه بوسیله مادی‌گرایان مورد حمایت قرار می‌گیرد. (همان، ص ۱۴)

نظریه داروین به اعتبار پیامدهای انسان شناختی‌ای که دارد، مهم است و جا دارد محققان دینی ادیان الهی از جمله اندیشمندان قرآنی آن را مورد بررسی قرار دهند. زیرا از نظر این تئوری، خلقت معلول خواست و اراده خداوند نیست بلکه معلول جنگ و نزاع بر سر بقاء است که در میدان چنین جنگی قوی، برنده نزاع است. (همان، ص ۱۴)

هارون یحیی نظریه تکامل را از جنبه‌های مختلف مورد ارزیابی و انتقاد قرار می‌دهد. در گام نخست به باور او این نظریه بوسیله شواهد علمی مورد تایید نمی‌شود. برای اینکار نخست وی این نظریه را بیان می‌نماید و پیشینه تاریخی آن را بسیار قبل از داروین دانسته (هارون یحیی، ۲۰۰۹، ص ۱۴) بطور مشروح ارکان این نظریه را بیان می‌کند. (همان، ص ۲۲) سپس اصرار دارد که یافته‌های علمی این نظریه را در ابعاد مختلف نه تنها تایید نمی‌کند، بلکه شواهدی بر ضد آن فراهم می‌نماید. در این رابطه وی بر کشفیات فسیل و مطالعات

در مورد آن تاکید دارد. (هارون یحیی، ۲۰۰۱، ص ۵۶) همچنین او اعتقاد دارد یافته‌های جدید علمی در حوزه مطالعات پروتئین و سلول (همان، ص ۸)، مطالعات ژنتیکی (همان، ص ۱۲) نظام موجود در عالم طبیعت مانند اجزاء بدن (مثل دست، چشم و...) و اموری مانند آن به شدت نظریه تکامل را به چالش فرا می‌خواند و اعتبار علمی آن را مخدوش می‌سازد. (همان، ص ۱۵) البته وی علی‌رغم وجود این قبیل چالش‌های علمی بر ضد نظریه تکامل، به نفوذ گسترده آن حتی در زندگی روز مره انسان‌ها نیز توجه دارد به نحوی که می‌توان از آن به "دین داروینیزم" تعبیر نمود. (هارون یحیی، ۲۰۰۳، ص ۱۰) از این رو آموزش این نظریه از سطح مدارس و دانشگاه‌ها به تبلیغات آن در رسانه‌ها، تلویزیون و نشریات تبدیل شده است.

در هر حال این نظریه علی‌رغم نفوذ گسترده خود، بدون تردید بر تکذیب وجود خداوند مبتنی است و اگر از آن نوعی دین نیز استخراج شود یک دین کفر آمیز خواهد بود. (همان، ص ۱۲) صرف نظر از ارزیابی علمی، هارون یحیی نظریه داروین را از منظر مطالعات فلسفه علم نیز مورد بررسی قرار می‌دهد و آن را فاقد اعتبار می‌داند. (همان، ص ۱۶)

هارون یحیی در نهایت ضمن غیر علمی دانستن نظریه داروین آن را تهدیدی بر ضد بشریت و انسانی دانسته تلاش می‌کند تا بخش تاریک این نظریه را آشکار سازد. (هارون یحیی، ۲۰۰۱، ص ۱۱) هارون یحیی از منظر دینی نیز نظریه داروین را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و هر گونه تلاش را برای سازگار ساختن آن با آموزه‌های قرآنی محکوم به شکست دانسته، آموزه‌های قرآنی را با ارکان این نظریه ناسازگار می‌داند. (همان، ص ۲۲)

بدین جهت، مقاله حاضر، محدود به بررسی‌های دینی هارون یحیی است. در این انتقادات، تکامل‌گرایی الهی که بر اساس آن، ارکان نظریه تکامل پذیرفته می‌شود و برای رفع ناسازگاری آن با آموزه‌های دینی ناظر به آفرینش، خدا را عامل تکامل معرفی می‌نماید مورد چالش قرار می‌گیرد. محور ارزیابی‌های او نیز آیاتی از قرآن کریم خواهد بود که از نگاه برخی مسلمانان موید تکامل‌اند. ضمن بررسی این مستندات، پاسخ هارون یحیی به آنها بیان خواهد شد.

مستندات قرآنی مدافعان تکامل‌گرایی الهی

۱- آفرینش بصورت اطوار

"مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا * وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا" (نوح، ۱۴-۱۳) چرا شما برای خدا عظمت قائل نیستید؟! (۱۳) در حالی که شما را در مراحل مختلف آفرید (تا از نطفه به انسان کامل رسیدید)! (۱۴)

تکامل‌گرایان الهی کلمه‌ی «اطوارا» را ناظر به مراحل مختلف تکامل در نظر می‌گیرند. تفسیر عربی کلمه‌ی «اطوارا» به عنوان مراحل تکامل فراتر از یک عقیده‌ی شخصی نیست و چنین معنایی از واژه مذکور مورد اجماع دانشمندان مسلمان نیست. (هارون یحیی، ۲۰۰۳، ب، ص ۹۷)

«اطوارا» (وضعیت‌ها و شرایط) جمع‌طور است و این صیغه در آیه‌ی دیگری از قرآن نیامده است. تفاسیر علمای اسلامی برای این آیه مبین این حقیقت است. حمدی یزیر علمالی این آیه را این‌طور معنا می‌کند. او "اطوارا" را به مراحل مختلف تکامل ناظر می‌داند.

از نظر هارون یحیی این تفسیر از واژه مذکور درست نیست. بخصوص بلافاصله بعد از این توضیح حمدی یزیر علمالی می‌گوید مراحل این تکامل عبارتند از نطفه که سپس تبدیل به علقه می‌شود و بعد از آن تبدیل به مضغه و سپس بعد از آن، خداوند آنرا به انسان تبدیل می‌کند، مگر نه این است که خداوند خالق قادر شایسته‌ی پرستش و عبودیت است. (هارون یحیی، ۲۰۰۳، ب، ص ۹۷)

گفته‌های بالا نشان می‌دهد که این آیه مراحل رشد جنین را در رحم مادر از زمان اسپرم بودن توصیف می‌کند. به این صورت که بعد از مرحله گوشت سپس بر بدن او استخوان رویانده شد قبل از اینکه در این دنیا به عنوان یک انسان کامل ظهور کند. طبری در تفسیر این آیه در سوره‌ی نوح می‌گوید در حقیقت او انسان را مرحله به مرحله آفرید و خودش می‌گوید که منظور از مراحل مختلف یعنی ابتداء نطفه سپس علقه سپس مضغه سپس انسان کامل و همه‌ی این حوادث براهینی محکم بر عظمت خالق متعال است. (طبری، ۱۴۱۲؛ ۶۰/۲۹). عمر نصوحی بیلمن «مرحله به مرحله بودن خلقت را در حقیقت» چنین تفسیر می‌کند: او شما را در مراحل مختلف آفرید. شما ابتداء همه یک دانه بودید سپس قطره‌ای خون سپس دارای استخوان شدید سپس به عنوان یک انسان تولد یافتید آیا همه‌ی این تغییرات براهین روشنی برای اثبات قدرت خداوند و عظمت پروردگار عالم نیست چرا در مورد خلقت خود تفکر نمی‌کنید؟ (هارون یحیی ۲۰۰۳، ب، ص ۹۷)

شیخ طوسی از مفسران قرن پنجم شیعه صرفاً سه احتمال را بیان داشت که هیچکدام بیانگر نظریه تکامل نیست: حالات گوناگون از کودکی تا پیری، اختلاف افراد جامعه در اوصاف و شمایل و مراحل تکوین از

^۱ لازم به ذکر است که از کتاب‌های هارون یحیی دو اثر تاریخ نشر ۲۰۰۳ هستند این اثر با قید ب تمایز می‌یابد

نطفه تا تولد به نقل از ابن عباس، مجاهد، قتاد و ضحاک و... (طوسی، بی تا، ۱۳۶/۱۰). طبرسی نیز در ذیل آیه چهار احتمال را مطرح می‌کند: تطورات انسان از نطفه تا تولد، حالات گوناگون در زندگی، مراحل مختلف در زندگی اعم از کودکی تا پیری و نهایتاً اختلاف افراد در فقر و غنا و کوتاهی و بلندی و... و مانند شیخ طوسی اشاره ای که از آن احتمال نظریه تکامل استشمام شود را مطرح نمی‌سازد. (طبرسی، ۱۳۷۲؛ ۵۴۴/۱۰)

علامه طباطبایی نیز مانند مفسران پیشین همین دیدگاه را بیان نموده اعتقاد دارد آیه به خلقت از خاک و تبدیل به نطفه، علقه، مضغه و جنین و سپس تولد تا نیل به مراحل پیری فرد، همچنین اختلاف افراد در جنس، رنگ، قیافه، نیرومندی و ضعف و غیره دلالت دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۸/۲۰). مفسران دیگر قرآن مانند بیضاوی (۱۴۱۸؛ ۲۴۹/۵)؛ ابن کثیر (۱۴۱۹؛ ۲۴۶/۸)؛ ثعالبی (۱۴۱۸؛ ۴۸۹/۵)؛ اندلسی (۱۴۲۰؛ ۲۸۳/۱۰)؛ قرطبی (۱۹، ۱۳۶۴/۳۰۳)؛ ابن عاشور (بی تا، ۱۸۶/۲۹)؛ آلوسی (۱۴۱۵؛ ۸۲/۱۵)؛ مکارم شیرازی (۱۳۷۴؛ ۷۰/۲۵) و... نیز همگی همین معانی را مطرح نموده و به هیچ سخنی در تأیید برداشت تکامل‌گرایان اشاره نکرده‌اند.

همان‌طور که در اینجا مشاهده می‌شود مفسران علمی معتقدند تفسیر آیه‌ی ۱۴ نوح اشاره به روند دیگری دارد که شامل پیوستن اسپرم با تخمدان است و آیه باید از طریق آیات روشن دیگر تفسیر شود. همان اصلی که می‌گوید «یفسر بعض الآیات بعضه» چرا که در آیات دیگر خداوند توضیح می‌دهد که مراحل خلقت از درون رحم مادر شروع می‌شود. هارون یحیی کلمه‌ی "اطواراً" را اینگونه تفسیر می‌کند. استفاده از این گونه آیات برای حمایت از تئوری تکامل توجیه مناسبی ندارد. (هارون یحیی، ۲۰۰۳، ب، ص ۹۸)

۲- شیء مذکور نبودن انسان

"هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا" (انسان، ۱) آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟!

از جمله آیات دیگری که تکامل‌گرایان الهی بدان تمسک می‌نمایند آیه مذکور است. (هارون یحیی، ۲۰۰۳، ب، ص ۹۸) این معنا براساس تفسیر به رای عده‌ای است که می‌گویند «لم یکن شیئا مذکوراً» در آیه‌ی فوق بر مراحل دلالت دارد که پیش از آنکه انسان به انسان تبدیل شود، اشاره دارد. اگر چه ادعایی است که از

حقیقت به دور است زیرا "لم یکن شیئا مذکوراً = چیز قابل ذکری نبود" دلالت بر چنین مراحل تکاملی ندارد، بلکه صرفاً نوعی سعی در تحمیل معنا بر آیه است در حالی که آیه از افاده چنین معنایی ابا دارد. هیچ یک از محققان اسلامی این آیه را به عنوان شاهی برای روند تکامل تفسیر نکرده‌اند؛ برای مثال حمدی یزیر علمالی در تفسیر زیر بیان می‌کند که در آغاز، عناصر و مواد معدنی موجود بودند، سپس گیاهان و مواد مغذی حیوانات و یک نوع خاک بدون اینکه به صورت مرحله‌ای آفریده شده باشند. سپس برخی موجودات با کندی بسیار به وسیله‌ی مراحل از اسپرم که از آن موجودات گرفته می‌شد به وجود می‌آیند اما آن چیزی نبود که انسان نامیده شود نه انسان ابدی نه ماده‌ای که بعداً خود به خود به وجود بیاید. انسان بعد از سپری شدن مدت طولانی از آغاز آفرینش جهان به وجود آمد. (یزیر علمالی، نقل از هارون یحیی، ۲۰۰۳، ص ۹۹) عمر نصحی بیلمن آیه را به این روش تفسیر می‌کند: این آیات اعلان می‌کند که خداوند انسان را از قطره‌ای آب آفرید که می‌تواند ببیند و بشنود زمانی که او چیزی نبود و او را در چنین وضعی آفرید تا امتحانی برای او باشد. انسان در آغاز وجود نداشت اما بعداً به واسطه‌ی قطره‌ای از آب و گل رس به صورت بدن شکل گرفت. آن شخص در آن زمان نامش را نمی‌دانست و به صورت یک راز برای ساکنان زمین و آسمان آفریده شد سپس به او روح داده شد. (هارون یحیی ۲۰۰۳، ص ۹۹)

طبرسی در تفسیر خود درباره‌ی معنای آیه توضیح می‌دهد مدت زمان طولانی از زمان آغاز آفرینش گذشت که انسان جز مخلوطی چسبنده از آب و گل هیچ نبود. (طبرسی، ج ۶، ص ۲۶۸، نقل از همان ص ۱۰۰) به همین دلیل توصیف زمان در آیه به عنوان یک دوره‌ی تکامل صرفاً موضوعی خیالی است. (هارون یحیی، ۲۰۰۳، ص ۱۰۰)

همچنین با بررسی صورت گرفته در تفسیر آیه مزبور در منابع مختلف تفسیری شیعه و سنی مانند جامع البیان (طبری، ۱۴۱۲/۲۹:۱۲۵) التبیان (طوسی، بی تا؛ ۲۰۶/۱۰) انوار التنزیل (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۲۶۹/۵) قرطبی (۱۳۶۴:۱۱۹/۲۰) ابن کثیر (۱۴۱۹/۸:۲۹۲) جواهر الحسان (ثعالبی، ۱۴۱۸، ۵۲۷/۵) المیزان (طباطبایی، ۱۳۷۴:۱۹۳/۲۰) روح المعانی (آلوسی، ۱۴۱۵:۱۶۷/۱۵) نمونه (مکارم، ۱۳۷۴: ۳۳۴/۲۵) و ... سخنی که نشان دهنده اشاره آیه به نظریه تکامل باشد، یافت نگردید.

۳- آفرینش از آب

" إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا " (انسان، ۲) ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، و او را می‌آزماییم؛ (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم!

کسانی که از نظریه آفرینش تکامل‌گرایانه دفاع می‌کنند تلاش می‌کنند تا این ایده قرآنی در بسیاری از آیات را که براساس آن انسان از آب آفریده شد را دلیلی به نفع نظریه تکامل انسان از آب در نظر بگیرند. (هارون یحیی، ۲۰۰۳، ب، ص ۱۰۰) در حالی که این قبیل آیات همیشه به وسیله‌ی محققین و مفسران به خلقت انسان از اسپرم و نطفه تفسیر می‌شود. برای نمونه حمدی یزیر علمالی تفسیر خود را به گونه‌ی زیر می‌آورد: انسان از یک نطفه که به شکل آب است خلق شده است. نطفه آب خالص است. نطفه و مایع منی مطابق احادیث معنای یکسانی دارند. (نقل از همان، ص ۱۰۰) همان طور که در پایان سوره‌ی قیامت آمده است:

"أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنَىٰ يَمُنَىٰ" (قیامت، ۳۷) آیا او نطفه‌ای از منی که در رحم ریخته می‌شود نبود؟! نطفه قسمتی از مایع منی است همان طور که در صحیح مسلم نیز اشاره شده است.

طبری این آیه را این طور تفسیر می‌کند: ما فرزند آدم را بوسیله مخلوطی از لقاح زن و مرد و در نتیجه‌ی مایعی آفریده‌ایم. (نقل از همان) عمرنصوحی بیلمن نیز به این روش توضیح می‌دهد که ما انسان را از یک قطره‌ای ممزوج آفریده‌ایم و ما آن را از مایعی ممزوج از زن و مرد شکل داده‌ایم. آری انسان در مقطعی از زمان نطفه بوده است و مانند آب خالص و سپس در دوره‌ای خاص «علقه»؛ همانند یک لخته خون و سپس مضغه یعنی یک تکه گوشت بود و بعد استخوان‌ها شکل می‌گیرد و در لایه‌ای از گوشت پیچیده می‌شود و سپس به زندگی می‌آید. (بیلمن، ص ۳۹۱۵، نقل از هارون یحیی، ب، ص ۱۰۱)

آن چه که از این توضیحات می‌فهمیم این است که بین آفرینش انسان از یک قطره‌ی ممزوج و ادعای تکامل که انسان به صورت مراحل از یک سلول که به صورت تصادف از آب به وجود آمده است دلالتی وجود ندارد. همان طور که محققان بزرگ اسلام گفته‌اند این آیه توجه ما را به حقیقت درون رحم مادر جلب می‌کند.

این در حالیست که وقتی برخی دیگر از آیات ناظر به آفرینش انسان مورد توجه قرار گیرند، اشتباه اصلی در این گونه تفاسیر به روشنی آشکار می‌شود. "يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن

تُرَابٌ تُمْ مِنْ نُطْفَةٍ....." (حج، ۵) ای مردم! اگر در رستاخیز شک دارید، (به این نکته توجه کنید که:) ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از «مضغه» (چیزی شبیه گوشت جویده شده)، که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل؛ تا برای شما روشن سازیم (که بر هر چیز قادریم!) و جنین‌هایی را که بخواهیم تا مدت معینی در رحم (مادران) قرار می‌دهیم؛ (و آنچه را بخواهیم ساقط می‌کنیم) بعد شما را بصورت طفل بیرون می‌آوریم؛ سپس هدف این است که به حد رشد و بلوغ خویش برسید. در این میان بعضی از شما می‌میرند؛ و بعضی آن قدر عمر می‌کنند که به بدترین مرحله زندگی (و پیری) می‌رسند؛ آنچنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی نمی‌دانند! (از سوی دیگر، زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می‌بینی، اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می‌فرستیم، به حرکت درمی‌آید و می‌روید؛ و از هر نوع گیاهان زیبا می‌رویاند!

در این آیه مراحل خلقت انسان توصیف شده است، تراب یعنی ماده‌ای هم آلی و غیر آلی که در عناصر شکل گرفته در کره زمین یافت می‌شود. همان ماده خامی که معادن و عناصر اساسی در جسم آدمی را شامل می‌شود، مرحله‌ی دوم تجمع این مواد در مایع منی است که قرآن آن را با لفظ نطفه امشاج توصیف می‌کند، و این نطفه حاوی اسپرم است که دارای اطلاعات ژنتیکی و ساختار لازم برای بارور کردن تخمدان درون رحم مادر است. در نتیجه ماده خام برای وجود انسان، خاک زمین است که خلاصه آن در نطفه جمع می‌شود. و از این طریق به خواست خداوند انسان به وجود می‌آید. در قرآن در پی مرحله‌ای آفرینش انسان، مرحله پیشرفت حیات انسان در رحم مادر توصیف می‌گردد.

نظریه‌ی تکامل از سوی دیگری وجود میلیون‌ها مرحله‌ی فرضی بین منشا زندگی در آب و شکل‌گیری انسان کامل را مفروض می‌گیرد. به هر حال آن چه در این قبیل آیات ارایه می‌شود در آن منطق تکامل دیده نمی‌شود. چرا که می‌گوید انسان بعد از اینکه یک نطفه بود، علقه می‌شود. به همین دلیل است که این آیه مراحل مختلف تکامل را توصیف نمی‌کند و آن بسیار روشن است بلکه اتفاقاً مراحل خلقت را حتی از قبل از قرار گرفتن در رحم مادر تا سنین پیری تشریح می‌کند. هم چنین آیه‌های دیگر مانند آیات زیر تصریح می‌کنند که انسان و دیگر کائنات زنده از آب خلق شده‌اند که شامل هیچ تفسیری برای تایید فرضیه تکامل نیست.



"أولم ير الذين كفروا أن السماوات والأرض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي أفلا يؤمنون" (انبیا، ۳۰) آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؛ و هر چیز زنده‌ای را از اب قرار دادیم؟! آیا ایمان نمی‌آورند؟!

"والله خلق كل دابة من ماء فمنهم من يمشي على بطنه ومنهم من يمشي على رجلين ومنهم من يمشي على أربع يخلق الله ما يشاء إن الله على كل شيء قدير" (نور، ۴۵) و خداوند هر جنبنده‌ای را از بی آفرید. گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند، و گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر چهار پا راه می‌روند. خداوند هر چه را بخواهد می‌آفریند، زیرا خدا بر همه چیز تواناست!

آیات زیر نیز به روشنی بیان می‌سازند که منظور از قطره آب در مورد آفرینش انسان همانا نطفه است: "وأنه خلق الزوجين الذكر والأنثى * من نطفة إذا تمى * وأن عليه النشأة الآخرة" (نجم، ۴۷-۴۵) و اوست که دو زوج نر و ماده را آفرید... از نطفه‌ای هنگامی که خارج می‌شود (و در رحم می‌ریزد)، و اینکه بر خداست ایجاد عالم دیگر (تا عدالت اجرا گردد).

"ألم يك نطفة من منى يمى" (قیامت، ۳۷) آیا او نطفه‌ای از منی که در رحم ریخته می‌شود نبود؟! "فلينظر الإنسان مم خلق * خلق من ماء دافق * يخرج من بين الصلب والترائب" (طارق، ۷-۵) انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است! از یک آب جهنده آفریده شده است، آبی که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود!

برخی از مفسران نیز معتقدند که «و جعلنا من الماء كل شيء حي» حاوی معنایی است که با تئوری تکامل موازی است و حال آنکه این دیدگاه کاملاً مردود است. زیرا تاکید قرآن بر آفرینش همه کاینات از آب، دلالت آشکار دارد که آب ماده‌ی اولیه برای موجودات زنده است. در حقیقت، زیست‌شناسی جدید تصریح می‌کند که آب اساسی‌ترین ماده تشکیل‌دهنده‌ی همه موجودات زنده است. حدود ۷۰٪ از بدن انسان آب است. آب، حرکت درون سلولها، بین سلولها و بین بافت‌ها را امکان‌پذیر می‌کند و بدون آن زندگی معنا نخواهد داشت.

۴- آفرینش از خاک و آب

یکی دیگر از آیاتی که تکامل گرایان الهی از آیات قرآن استفاده می‌نمایند آیه ۳۷ سوره کهف است (هارون یحیی، ۲۰۰۳، ب، ص ۱۰۴):

"قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا" (کهف، ۳۷) دوست (با ایمان) وی- در حالی که با او گفتگو می‌کرد- گفت: «آیا به خدایی که تو را از خاک، و سپس از نطفه آفرید، و پس از آن تو را مرد کاملی قرار داد، کافر شدی؟!»

طبری در مورد این آیه چنین تفسیر می‌کند: منظور خداوند تبارک و تعالی این است که آیا شما خداوند را انکار می‌کنید که آدم ابوالبشر را از خاک آفرید و سپس هر یک از شما را از نطفه مرد و زن آفرید سپس شما را در شمایل انسان شکل داد. خداوند کسی است که به شما این چیزها را بخشید و باعث پدید آمدن شما گردید و پس از مرگ یک بار دیگر شما را از خاک به زندگی باز می‌گرداند. (طبری، ۱۴۱۲، ۱۶۲/۱۵)

ابن کثیر هم در تفسیرش می‌گوید: آیه از زبان همنشین مومن است که در برابر انکار خداوند توسط دوستش بیان شده و اینکه خداوند جدشان آدم را از خاک و گل و نسلش را از نطفه آفرید... همه می‌دانند که زمانی معدوم بوده و بعد موجود شدند و وجودشان از خودشان و افرادی مانند خودشان نیست. پس وجودشان از خداست... (ابن کثیر، ۱۴۱۹؛ ۱۴۳/۵)

عمر نصوحی بیلمن در مورد همان آیه بیان می‌کند که: آیا شما قدرت خداوند را انکار می‌کنید که آدم پیامبر یعنی منشاء نژاد شما را آفرید و باعث خلقت شما از خاک گردید کسی که بعد از خلقت، شما را به شکل انسان آفرید از نطفه و از آب منی شما را آفرید و شما را از طریق مراحل مختلف ایجاد به انسان کامل تبدیل کرد؛ چرا جهان آخرت را انکار می‌کنید که در واقع انکار قدرت خداست. کسی که به شما آنچه را که اتفاق خواهد افتاد خبر می‌دهد و کسی که قدرت انجام آن اتفاقات را داراست. (بیلمن، ج ۴، نقل از هارون یحیی، ۲۰۰۳، ب، ص ۱۰۴)

طبرسی گوید: مرد مؤمن در حالی که دوستش را تکفیر می‌کرد، گفت: آیا بخداوندی که پدرت آدم را از خاک آفریده است کافر می‌شوی؟ برخی گویند: نطفه از غذا و غذا از خاک است. بنابراین جایز است که گفته شود: خداوند ترا- نه آدم را- از خاک آفریده است. (طبرسی، ۱۳۷۲؛ ۷۲۸/۶). علامه طباطبایی

(۴۳۶/۱۳؛ ۱۳۷۴) و مکارم (۴۳۱/۱۳۷۴، ۱۲) نیز ضمن توضیح آیه، هیچ نکته ای در تایید برداشت نظریه تکامل در آیه شریفه ارائه نکردند.

همان طور که از سخنان این مفسران برداشت شد، استفاده از این قبیل آیات به عنوان شاهی برای تکامل، چیزی بیشتر از یک اجتهاد شخصی نیست؛ زیرا ممکن نیست که محتویات این آیات را ناظر بر تکامل دانست. تعبیر خلقت آدم از خاک، بر آفرینش آدم پیامبر از خاک دلالت دارد و خلقت از آب به آغاز خلقت انسان یعنی نطفه اشاره می‌کند، و آن نشان می‌دهد که خداوند انسان را مستقیماً از خاک خشک آفرید. این آیه که خلقت آدم را توصیف می‌کند در مورد مراحل تکامل صحبتی نمی‌کند. به عنوان نمونه به این آیه می‌توان توجه نمود:

"وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ * (حجر، ۲۸) و (به خاطر بیاور) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل خشکیده‌ای که از گل بدبویی گرفته شده، می‌آفرینم. (۲۸) هنگامی که کار آن را به پایان رساندم، و در او از روح خود (یک روح شایسته و بزرگ) دمیدم، همگی برای او سجده کنید!» (۲۹)

اگر نگرش قرآنی درباره مراحل مختلف خلقت را به دقت تامل نموده و فرآیند پی در پی آفرینش را نیز در نظر داشته باشیم، مشخص خواهد شد که نظریه تکامل صحیح نیست. قرآن شامل آیات بسیار زیادی است که نشان می‌دهد آدم (ع) از طریق مراحل تکامل خلق نشده است. در این رابطه به این آیه نیز می‌توان تمسک نمود:

"إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ" (آل عمران، ۵۹) مثل عیسی در نزد خدا، همچون آدم است؛ که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: «موجود باش!» او هم فوراً موجود شد. (بنابر این، ولادت مسیح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیت او نیست.) (۵۹)

آیه‌ی فوق نشان می‌دهد که آفرینش آدم (ع) و عیسی (ع) از یک طریق است. همان طور که پیش از این نیز بیان شد، آدم پیامبر بدون هیچ والدینی از خاک با دستور «کن» آفریده شد. عیسی (ع) نیز به خواست خدا از طریق فرمان «کن» به واسطه‌ی این دستور از حضرت مریم حامله شده بود. چنانچه خداوند در آیه‌ی شریفه ذیل بیان می‌کند:

" * قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا * قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا " (مریم، ۲۱ - ۲۰) گفت: «چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد؟! در حالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده‌ای هم نبوده‌ام!» (۲۰) گفت: «مطلب همین است! پروردگارت فرموده: این کار بر من آسان است! (ما او را می‌آفرینیم، تا قدرت خویش را آشکار سازیم؛) و او را برای مردم نشانه‌ای قرار دهیم؛ و رحمتی باشد از سوی ما! و این امری است پایان یافته (و جای گفتگو ندارد!)» (۲۱)

در آیات دیگری نیز به خلقت انسان از آب و خاک اشاره می‌کند که هیچ کدام از آنها توصیف مراحل تکامل نیست. بلکه این آیات مراحل خلقت انسان را قبل از رحم مادر و در رحم مادر و بعد از تولد توصیف می‌کند.

"يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تَرَابٍ " (الحج، ۵) ای مردم! اگر در رستاخیز شک دارید، (به این نکته توجه کنید که:) ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از «مضغه» (چیزی شبیه گوشت جویده شده)، که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل؛ تا برای شما روشن سازیم (که بر هر چیز قادریم!) و جنین‌هایی را که بخواهیم تا مدت معینی در رحم (مادران) قرار می‌دهیم؛ (و آنچه را بخواهیم ساقط می‌کنیم) بعد شما را بصورت طفل بیرون می‌آوریم؛ سپس هدف این است که به حد رشد و بلوغ خویش برسید. در این میان بعضی از شما می‌میرند؛ و بعضی آن قدر عمر می‌کنند که به بدترین مرحله زندگی (و پیری) می‌رسند؛ آنچنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی نمی‌دانند! (از سوی دیگر،) زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می‌بینی، اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می‌فرستیم، به حرکت درمی‌آید و می‌روید؛ و از هر نوع گیاهان زیبا می‌رویاند!

"هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ " (غافر، ۶۷) او کسی است که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه، سپس از علقه (خون بسته شده)، سپس شما را بصورت طفلی (از شکم مادر) بیرون می‌فرستد، بعد به مرحله کمال قوت خود می‌رسید، و بعد از آن پیر می‌شوید و (در این میان) گروهی از شما پیش از رسیدن به این مرحله می‌میرند و در نهایت به سرآمد عمر خود می‌رسید؛ و شاید تعقل کنید!

"مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى " (نجم، ۴۶) از نطفه‌ای هنگامی که خارج می‌شود (و در رحم می‌ریزد).

۵- آفرینش انسان در گذر زمان

"إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ" (ص، ۷۱) و به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل می‌آفرینم».

اشتباه دیگر دیدگاه تکامل‌گرای الهی، از تفسیرهای نادرست در مورد آیات فوق نشات گرفته است. (هارون یحیی، ۲۰۰۳، ب، ۱۰۶) بر اساس ادعای این گروه، عبارت فوق بر این نکته تاکید می‌کند که آفرینش به تدریج و در طول زمان صورت گرفته است. هر چند که نص آیه کاملاً روشن است و نشان می‌دهد حمل این آیه بر دیدگاه تکامل یک اجتهاد کاملاً شخصی و متناقض است: (انی خالق بشرًا من طین) تنها به این معنا است که من کسی هستم که موجود بشری را از گل خلق می‌نمایم. این آیه بیان نمی‌کند: من در حال آفرینش هستم. به ویژه آیه چنین ادامه می‌یابد (فاذا سویته و نفخت فیه من روحی فقعوا له ساجدین). این آیه روشن می‌سازد که فعل به صورت یک لحظه و دفعی حادث شده است.

حتی یک دانشمند و کارشناس قرآن هم معنای این آیه را به صورت مضارع استمراری تفسیر نکرده است به نحوی که آیه معنایی دال بر "در حال آفرینش بودن" داشته باشد. برای مثال سلیمان آتس دانشمند مسلمان ترک تبار در مورد این آیه چنین می‌گوید: خداوند به فرشتگان خبر داد که انسان را از خاک خالص می‌آفریند سپس به خاک شکل انسانی عطا کرد و از روح خودش در آن دمید سپس به ملائکه دستور داد تا برای آدم سجده کنند. سپس همی آنها این کار را انجام دادند مگر شیطان که اظهار کرد کسی که از آتش آفریده شده است بهتر از کسی است که از خاک آفریده شده است. (نقل از هارون یحیی، ۲۰۰۳، ب، ص ۱۰۷)

طبری در تفسیر بیان می‌کند خداوند یک بار به فرشتگان گفت من انسان را می‌آفرینم زمانی که انسان را آفرید و به او شکل داد و از روح خودش در او دمید، به فرشتگان فرمود بر او سجده کنند. (طبری، ۱۴۱۲؛ ۱۱۸/۲۳). علامه طباطبایی ابتداء به بررسی خلقت پرداخته و در بخشی از آن می‌گوید: آیات کریمه قرآن ظاهر قریب به صریح است در اینکه بشر موجود امروزی - که ما افرادی از ایشانیم - از طریق تناسل منتهی می‌شوند به یک زن و شوهر معین، که قرآن نام آن شوهر را آدم معرفی کرده، و نیز صریح است در اینکه این اولین فرد بشر و همسرش از هیچ پدر و مادری متولد نشده‌اند، بلکه از خاک یا گل یا لایه یا زمین، به اختلاف تعبیرات قرآن - خلق شده‌اند. این آن معنایی است که آیات با ظهور قوی خود، آن را افاده می‌کنند... به هر تقدیر ظاهر آیات قرآنی همین صورت اخیر است، یعنی از ظاهر قرآن بر می‌آید که نسل حاضر بشر منتهی به آدم و همسرش می‌شود، و آدم و همسرش از پدر و مادری متولد نشده، بلکه از زمین تکون یافته‌اند.

علامه در ادامه و بعد از بررسیهای دیگر بیان می نماید: با این بیان روشن می گردد که تمامی آیات قرآنی که از خلقت آدم از تراب، و یا گل یا امثال آن خبر می دهد، همه بر مدعای ما دلالت می کند، یعنی می فهماند که خلقت او آنی، و بدون گذشت زمان، و بدون پدر و مادر بوده، و گرنه همانطور که گفتیم دیگر برای آدم خصوصیتی نمی ماند، که تنها خلقت او را به رخ ما بکشد، و بفرماید من او را از خاک یا گل خلق کرده ام، چون در این صورت تمامی حیوانات و انسانها نیز خلقتشان به گل و خاک منتهی می شود. پس اگر فرموده: "إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ طِينٍ" و یا می فرماید: "وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِّنْ طِينٍ" همه دلالت دارد بر اینکه خلقت آدم با خلقت سایر افراد بشر و سایر جانداران فرق داشته است. (طباطبایی، ۱۳۷۴؛ ۳۸۲/۱۶). مفسرین دیگر نیز به این نکته اشاره دارند که آیه مزبور بر خلقت مستقیم آدم ابوالبشر از خاک آمیخته با آب یا همان گل تیره صراحت داشته و بر چیزی غیر از این دلالت ندارد. (طوسی؛ بی تا؛ ۵۸۱/۸؛ طبرسی؛ ۱۳۷۲؛ ۷۵۷/۸؛ قرطبی؛ ۱۳۶۴، ۲۲۷/۱۶؛ آلوسی؛ ۱۴۱۵، ۲۱۴/۱۲؛ و ...)

آیات دیگری که هارون یحیی به عنوان نمونه های دیگری از مستندات تکامل گرایان الهی مورد اشاره قرار داده و مورد انتقاد قرار می دهد عبارت است:

"الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِّنْ طِينٍ" (سجده، ۴) خداوند کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو است در شش روز (شش دوران) آفرید، سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت. هیچ سرپرست و شفاعت کننده ای برای شما جز او نیست. آیا متذکر نمی شوید؟! بر طبق تفاسیر چنین افرادی، قسمتی از آیه که زیر آن خط کشیده شده است به فرایندی اشاره می کند که در این مورد همان فرایند تکامل است. آیات زیر همگی بر این نکته تاکید می کند که آفرینش الهی به صورت غیر تکاملی و دفعی انجام گرفته است.

"أَمْ يَدَّبْدُوا خَلْقَ اللَّهِ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ" (نمل، ۶۴) یا کسی که آفرینش را آغاز کرد، سپس آن را تجدید می کند، و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی می دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! بگو: «دلایلتان را بیاورید اگر راست می گوید!»
 "أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ" (عنکبوت، ۱۹) آیا آنان ندیدند چگونه خداوند آفرینش را آغاز می کند، سپس باز می گرداند؟! این کار برای خدا آسان است!

"اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ" (روم، ۱۱) خداوند آفرینش را آغاز می کند سپس آن را باز می گرداند سپس شما را به سوی او باز می گرداند.

خلقت مستمر و آفرینش مداوم همه عالم بدست خداوند بر تکامل دلالت نمی‌کند. مانند دیگر تفسیرها در مورد این آیه نیز مدافعان تکامل دیدگاه خود را بر آیه تحمیل می‌نمایند. علاوه بر آن با نظر به همه آیات ناظر به آفرینش، آشکار می‌شود که تفسیر تکاملی از آفرینش، هیچ پایه و اساس درستی ندارد. عمر نوحی بیلمن این آیه را چنین تفسیر می‌کند که آدم از خاک آفریده شد. (بیلمن، ص ۲۷۶، نقل از هارون یحیی، ۲۰۰۳، ص ۱۱۲) طبری نیز این آیه را چنین تفسیر می‌کند: خداوند متعال آفرینش آدم (ع) را از خاک آغاز نمود. (طبری، ج ۴، نقل از همان، ص ۱۱۱)

برخی از مسلمانان که فریب تکامل را خورده‌اند به آیات زیر استناد می‌کنند و بویژه قسمت هایی را که زیر آنها خط کشیده شده است به عنوان شاهد در نظر می‌گیرند:

" يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ * الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ * فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ " (انفطار، ۱-۶)

ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته است؟! همان خدایی که تو را آفرید و

سامان داد و منظم ساخت، و در هر صورتی که خواست تو را ترکیب نمود.

آنها معنای این آیات را بخصوص با تکیه بر واژه عدل، دال بر فرایند تکامل تلقی می‌کنند. حمدی یزیر علمالی، آیات فوق را اینگونه تفسیر می‌کند: پروردگاری که شما را از طریق فرایند تکاملی خلق کرد. فرایندی که بر اساس آن خداوند بعد از آفرینش بدن، روح را در انسان دمیده و بعد به او وجودی متوازن داده است. روشن است که در اینجا آفرینش به معنای دستور ساماندهی اندام های بدن و جمع آوری قسمت‌های بدن است. از نظر این گروه، بسیاری از آیات دیگر نیز بر این نکته تاکید دارد که خداوند طی مراحل به انسان، اندام‌های هماهنگ و متعادل و قدرت داد. در این رابطه دو تفسیر در مورد منشاء عدل و دیگری در مورد تعدیل وجود دارد.

از آنجا که آن دو در بردارنده دو معنی تعادل و اعتدال هستند تفاسیر مختلفی براساس آن مطرح شد. بر طبق تفسیر مقاتل تعبیر الهی به کار گرفته شده در «بلی قادرین علی ان نسوی بنانه» که در آیه ۴ سوره قیامت ذکر شده است، بدین معناست که بدن موزون و منظم است و تمام اعضای جفت مانند چشم ها گوشها دست ها و پاها با هم مطابقت دارد. این نکته را امروزه به وسیله علم آناتومی می‌توان شناخت و به دقت بررسی کرد. (یزیر علمالی، نقل از هارون یحیی، همان، ص ۱۱۰)

برطبق تفسیر ابوعلی فریسی اصطلاح "فعدلک" در حقیقت به این معنا است که خداوند شما را به زیباترین حالت شکل داد و در همین فرایند تناسب دادن، به شما قدرت تفکر و تصور مفاهیم عطا کرد و به شما بر

دیگر گیاهان و دیگر موجودات زنده سیادت داد. و همانا که به انسان بر سایر موجودات عالم فضیلت داد. این دیدگاه با معنای آیه‌ی ۲۹ حج سازگار است. همه اینها نشانه‌ی برکت و مهربانی خداست. (نقل از هارون یحیی، ۲۰۰۳، ب، ص ۱۱۰)

همان طور که از تفسیر فوق و از دلایل و استدلال‌های فوق روشن است آیات مذکور به خلقت منظم و کامل خداوند اشاره دارد. با مراجعه به تفاسیر مختلف مانند طبری (۱۴۱۲؛ ۵۵/۳۰) قرطبی (۱۳۶۴؛ ۲۴۶/۲۰) روح المعانی (آلوسی، ۱۴۱۵؛ ۲۷۰/۱۵) المیزان (طباطبایی، ۱۳۷۴؛ ۳۶۹/۲۰) نمونه (۱۳۷۴؛ ۲۲۱/۲۶) جز مباحثی در معنای تسویه و تعدیل جسم و مشدد یا غیر مشدد بودن "فعدلک" هیچگونه بحثی که نشانگر اشاره آیه به نظریه تکامل باشد یافت نمی‌شود.

در بسیاری از آیات دیگر نیز تعبیرهای مشابهی یافت می‌شود به طور مثال: "الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ * ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ" (سجده، ۷-۹) او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد. سپس نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید. سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید؛ و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد؛ اما کمتر شکر نعمتهای او را بجا می‌آورید!

کلمه‌ی خلقت در آغاز این آیه در مورد انسان سپس در مورد آفرینش اعضاء بدن مانند چشم ها، گوش‌ها و قلوب نیز بکار رفت. لازم به ذکر است تمام این مراحل در یک زمان اتفاق افتاد و به عبارت دیگر چشم ها، گوش‌ها و قلوب به صورت یک جا و در یک لحظه آفریده شده‌اند و اشتباهی بزرگ است که این آیات به منظور استدلالی برای نظریه تکامل تفسیر شود. برای مثال طبری می‌گوید: او سپس انسان را به عنوان موجودی کامل در یک شکل منظم آفرید سپس روح خودش را در او دمید و او زنده و ناطق گردید سپس به او گوش، چشم و قلب عطا کرد تا با آن چشم‌ها ببیند و قلوبی که با آن درست و غلط را تمیز دهد و شما باید به خاطر این همه نعمت شکر گزار باشید. (طبری، ۱۴۱۲؛ ۶۱/۲۱).

مفسران دیگر عامه چون قرطبی (۱۳۶۴؛ ۹۱/۱۴) ابن کثیر (۱۴۱۹؛ ۳۲۲/۶) آلوسی (۱۴۱۵؛ ۱۲۱/۱۱) همین روال را در تفسیر آیات فوق طی نموده و ضمن اشاره به خلقت مستقیم آدم از گل و معنای تسویه و نفخ روح و جریان قدرت سمع و بصر و دل بعد از نفخ روح و ... سخنی نگفتند تا از آن تأییدی بر نظریه تکامل استنتاج گردد.

علامه طباطبایی نیز اشاره دارند که آیه شریفه خلقت انسان نخستین را مستقیماً از گل می‌داند. آنجا که گویند: وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ؛ مراد از انسان فرد فرد آدمیان نیست، تا بگویی خلقت فرد فرد از گل نبوده، بلکه مراد نوع آدمی است، می‌خواهد بفرماید: مبدأ پیدایش این نوع گل بوده، که همه افراد منتهی به وی می‌شوند، و خلاصه تمامی افراد این نوع از فردی پدید آمده‌اند که او از گل خلق شده، چون فرزندانش از راه تناسل و تولد از پدر و مادر پدید آمده‌اند و مراد از آن فردی که از گل خلق شده آدم و حوا (ع) است.... (طباطبایی، ۱۳۷۴؛ ۳۷۳/۱۶) ایشان در ادامه تفسیر آیات به هیچ نکته‌ای که دلالت بر اشاره آیه به نظریه تکامل باشد نکردند.

صاحبان تفسیر نمونه در ذیل آیات فوق آورده‌اند: همه این آیات، دلیلی است بر نفی فرضیه تکامل (لا اقل در مورد انسان) و اینکه نوع بشر که منتهی به "آدم" می‌شود دارای یک خلقت مستقل است. و آنها که گمان کرده‌اند آیات آفرینش از خاک اشاره به نوع انسان است که با هزاران واسطه به موجودات تک سلولی باز می‌گردد، و آنها نیز طبق فرضیات اخیر از لجنهای کنار اقیانوسها به وجود آمده‌اند، و اما خود "آدم" فردی بود که از میان نوع بشر برگزیده شد و خلقت مستقلی نداشت، بلکه امتیاز او صفات ویژه او بود، به هیچوجه با ظواهر آیات قرآن سازگار نیست.

مجدداً تاکید می‌کنیم مساله تحول انواع، یک قانون مسلم علمی نیست، تنها یک فرضیه است، زیرا چیزی که ریشه آن در میلیونها سال قبل نهفته شده و مسلماً قابل تجربه و مشاهده حسی نیست نمی‌تواند در ردیف قوانین ثابت علمی در آید، بلکه فرضیه‌ای است که برای توجیه پدیده تنوع انواع به وجود آمده و ارزش آن، بیش از این نیست که پدیده‌هایی را توجیه تخمینی کند، و می‌دانیم فرضیه‌ها دائماً در حال تغییر و دگرگونی هستند و در برابر فرضیه‌های جدید میدان را خالی می‌کنند. بنا بر این هرگز نمی‌توان روی آنها در مسائل فلسفی که نیاز به پایه‌های قطعی دارند تکیه کرد. (نمونه، ۱۳۷۴؛ ۱۷/۱۳۰)

۶- نفی نخستین پیامبر بودن حضرت آدم

دلیل دیگری که مدافعان نظریه تکامل بدان تمسک می‌نمایند و بر دلایل دیگر مقدم می‌دارند این است که حضرت آدم ممکن است اولین مرد و حتی ممکن است اولین بشر خلق شده نباشد (هارون یحیی، ۲۰۰۳، ب، ص ۱۱۲) و آیه زیر را شاهدی بر ادعای خود اقامه می‌کنند:

"وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ" (بقره، ۳۰) (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت

به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی (نماینده‌ای) قرار خواهم داد» فرشتگان گفتند: «پروردگارا! آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! (زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است،) ما تسبیح و حمد تو را بجا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم.» پروردگار فرمود: «من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.»

کسانی که از ادعای فوق جانبداری می‌کنند فعل جعل را در آیه‌ی «جاعل فی الارض خلیفه» به معنای منصوب کردن در نظر می‌گیرند. به عبارت دیگر آنها فکر می‌کنند که آدم اولین انسان نبود بلکه او در بین انسانهای دیگری که موجود بودند به عنوان خلیفه انتخاب گردید.

ولی در پاسخ این گروه باید بیان نمود این تصور نادرستی است. چرا که این فعل (در قرآن به معنای زیر آمده است: آفریدن، اختراع کردن، ترجمه کردن، ساختن، قراردادن و تحویل دادن.

برخی از آیات قرآنی که در آن‌ها فعل جعل استفاده شده است را می‌توان مورد تامل قرار داد:

"خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ" (زمر، آیه ۶) او شما را از یک نفس آفرید، و همسرش را از (باقیمانده گل) او خلق کرد؛ و برای شما هشت زوج از چهارپایان ایجاد کرد؛ او شما را در شکم مادرانتان آفرینشی بعد از آفرینش دیگر، در میان تاریکیهای سه گانه، می‌بخشد! این است خداوند، پروردگار شما که حکومت (عالم هستی) از آن اوست. هیچ معبودی جز او نیست. پس چگونه از راه حق منحرف می‌شوید؟!

"قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ" (ملک، ۲۳) بگو: «او کسی است که

شما را آفرید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد. اما کمتر سپاسگزاری می‌کنید!»

"وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا" (نوح، ۱۶) و ماه را در میان آسمانها مایه روشنایی، و خورشید را چراغ فروزانی قرار داده است؟!

"وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا" (نوح، ۱۹) و خداوند زمین را برای شما فرش گسترده‌ای قرار داد...

همانطور که در آیات بالا دیده می‌شود جعل دارای معنای مختلفی است علاوه بر آن آیات متعددی این موضوع را تصریح می‌کند که حضرت آدم از خاک آفریده شده است. این آیات روشن می‌سازد که آدم پیامبر، فقط یک انسان از بین انسان‌های دیگر نبود؛ بلکه آفرینش متفاوت و مخصوص نیز داشت.

مراجعه به تفاسیر مختلف مانند تفسیر طبری (۱۴۱۲، ۱۵۳/۱) ثعالبی (۱۴۱۸؛ ۲۰۴/۱) المیزان (۱۷۶/۱۳۷۴، ۱) و... نشان می‌دهد که هر چند مفسران درباره ریشه اطلاع ملائکه از ویژگی فساد و خون ریزی فرزندان آدم و بیان «أَتَجَعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ» اختلاف نظر دارند ولی همگی بر استقلال خلقت آدم از خاک اتفاق نظر داشته و هیچ سخنی مبنی بر دلالت آیات خلقت بر نظریه تکامل بیان نکردند.

قرآن همچنین در بردارنده‌ی واقعیت مهم دیگری درباره آدم پیامبر نیز هست و آن هبوط از بهشت است: "يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ تَابِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مَن حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ" (اعراف، ۲۷) ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، و لباسشان را از نشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آنها نشان دهد! چه اینکه او و همکارانش شما را می‌بینند از جایی که شما آنها را نمی‌بینید. (اما بدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند!

"وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ * فَازْلَمَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ" (بقره، ۳۶-۳۵) و گفتیم: «ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از (نعمتهای) آن، از هر جا می‌خواهید، گوارا بخورید (اما) نزدیک این درخت نشوید که از ستمگران خواهید شد. (۳۵) پس شیطان موجب لغزش آنها از بهشت شد و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد. و (در این هنگام) به آنها گفتیم: «همگی (به زمین) فرود آید! در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود. و برای شما در زمین، تا مدت معینی قرارگاه و وسیله بهره برداری خواهد بود.» (۳۶)

معنای آیات فوق کاملاً روشن است. بر اساس آیات فوق خداوند حضرت آدم را از خاک آفرید و آفرینش مخصوصی داشت که ابتداء در بهشت ساکن گردید و بعد، از آنجا هبوط کرد. علی‌رغم این استدلالها آن دسته از محققان مسلمانی که به تکامل الهی اعتقاد دارند، این حقیقت بدیهی را نادیده گرفته و گمان می‌کنند که بهشت آخرت نیست بلکه منطقه‌ای زیبا و رویایی در زمین است. علی‌رغم این که خداوند در قرآن ویژگی‌های بهشتی را که حضرت آدم در آنجا ساکن گردید تصریح می‌کند. برای مثال بهشت شامل فرشتگان

و شیطان بود که با خداوند صحبت می‌کردند. این درست نیست که آیات را تفسیر به رای کنیم و به دنبال شاهی برای نظریه تکامل باشیم و حال آنکه تمام آیات درباره‌ی این موضوع کاملاً شفاف و روشن است و بسیاری از آیات تصریح می‌کند که تمام مردم از نسل آدم ابوالبشر هستند، (هارون یحیی، ۲۰۰۳، ب، ص ۱۱۴)

(همان طور که قرآن بیان می‌نماید:

"وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ * أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ" (اعراف، ۱۷۳-۱۷۲) و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشان ساخت (و فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می‌دهیم!») (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویید: «ما از این، غافل بودیم (و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم)»! یا بگویید: «پدرانمان پیش از ما مشرک بودند، ما هم فرزندان بعد از آنها بودیم (و چاره‌ای جز پیروی از آنان نداشتیم) آیا ما را به آنچه باطل‌گرایان انجام دادند مجازات می‌کنی؟!»

پس آدم اولین انسانی است که خداوند آفرید و هم چنین پیامبری است که خداوند برای بشریت آفریده است و تمام آیات درباره این موضوع کاملاً روشن است و نیاز به هیچ گونه تفسیری و اعمال نظری در این باره نیست. برای آنانی که با قلبی صمیمی و با وجدانی آگاه آیات قرآن را می‌خوانند خداوند حقیقت را آشکار خواهد کرد.

۷- تعبیر «ابائکم الاولین»

موضوع دیگری که مسلمانان تکامل‌گرا آن را به عنوان شاهی برای ادعاهای نادرست خود در نظر می‌گیرند تعبیر «ابائکم الاولین» است که در تعدادی از آیات آمده است. (هارون یحیی، ۲۰۰۳، ب، ص ۱۱۴) بر طبق تفسیر نادرست این گروه این تعبیر مستقیماً به اجداد اولیه انسان اشاره می‌کند. استدلال آنها به این جهت است که *آباءنا* در قرآن به صیغه‌ی جمع آمده است:

"قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ" (شعراء، ۲۶) (موسی) گفت: «او پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست!»

"لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ" (دخان، ۸) هیچ معبودی جز او نیست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ او پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین شماست!



از نظر هارون یحیی این یک ادعای متعصبانه است؛ زیرا استفاده‌ی این لغت در صیغه‌ی جمع، بسیار مانوس و روشن است و نمی‌تواند به عنوان یک پایه و اصل در دفاع از تفسیر تکامل‌گرایانه استفاده شود. این اصطلاح در بسیاری از آیات دیگر نیز واقع شده است که در بین آنها آیه‌ی ۱۳۳ بقره هیچ اشاره‌ای به فرایند تکامل نمی‌کند بلکه منظورش نسل‌های پیشین است.

همان‌گونه که چنین تعبیری در آیه دیگری به کار برده می‌شود به نحوی که به‌طور آشکار بر تکامل دلالت نداشته بلکه بر نسل‌های پیشین دلالت می‌نماید:

"أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ ابْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ" (بقره، ۱۳۳) آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟! در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: «خدای تو، و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم.»

نتیجه گیری

بیان گردید که آشتی دادن نظریه تکامل انواع داروین با دین یکی از اقدامات متکلمان مسیحی و مسلمان در حل نزاع بوجود آمده بین علم و دین از زمان انقلاب علمی بوده است. این تلاش به عنوان نظریه تکامل گرایی الهی موسوم است. در جهان اسلام نیز بوسیله برخی محققان علوم قرآنی در حل مساله نزاع و خصومت میان علم و دین بواسطه طرح نظریه تکامل انواع چنین تلاشی بعمل آمده است. این تلاش در طرح و دفاع از نظریه تکامل گرایی الهی با مخالفت گروه دیگری مواجه گردید که هارون یحیی یکی از این افراد است. وی ضمن خطرناک دانستن نظریه تکامل بواسطه ارتباط نزدیکی که بین آن و مادی گرایی و الحاد وجود دارد، آن را یک نظریه نادرستی می داند و آیاتی را که بوسیله برخی در دفاع و تایید تکامل گرایی الهی مورد تمسک قرار می گیرد برا مورد ارزیابی قرار می دهد و در نتیجه نمی پذیرد که آیات مذکور دلالت بر فرایند تکاملی آفرینش انسان دارند.

قرآن مجید ترجمه فولادوند، محمد مهدی

- آلوسی، محمود، ۱۴۱۵ ق؛ روح المعانی، تحقیق علی عبدالباری عطیه، اول، بیروت، دارالکتب العلمیه
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، التحریر و التنویر تفسیر التحریر و التنویر، بی جا، بی نا
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق؛ تفسیر القرآن العظیم؛ تحقیق محمد حسین شمس الدین، اول، بیروت، دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون
- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق؛ البحر المحیط، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت، دارالفکر،
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق؛ انوار التنزیل، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، اول، بیروت، دار
- احیاء التراث العربی
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۸ ق؛ تفسیر جواهر الحسان فی تفسیر القرآن - ثعالبی، تحقیق شیخ محمد علی المعوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- سبحانی یدالله، ۱۳۱۴، خلقت انسان، شرکت سهامی انتشار
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ ش، تفسیر المیزان، ترجمه: موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق؛ جامع البیان فی تأویل القرآن، اول، بیروت، دارالمعرفه
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ ش؛ الجامع لاحکام القرآن، اول، تهران، انتشارات ناصر خسرو
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ ش؛ تفسیر نمونه، اول، تهران، دار الکتب الاسلامیه
- مهدوی آزادبنی، رمضان، ۱۳۹۰ ش، سیری در شناخت انسان، دانشگاه مازندران، اول، چاپ مینا بابلسر

منابع انگلیسی

۱. Harun yahya, The Evolution Deceit,(2001 a)Ta-ha publishers Ltd. Istanbul, Turkey
۲., The Creation,(2001 b) good word, Book, New Delhi.
۳., The Disasters Darwinism Brought to Humanity,(2001c), Al-Attique PUBLISHERS Lnc. Tronto: Canada
۴., why Darwinism is incompatible with Qur'an, (2003 a) , Global publishing, Istanbul.
۵.,The Religion of Darwinism,(2003 b) Abul- Qasim Publishing House, Jeddah.
۶., Darwinism Refuted, Good word Books, New Delhi,(2009)second edition.
۷. Hamdi Yazir of Elmali,www.kuranicerim.com,